



## A Pathological Analysis of Academic Socialization of PhD Students (Case Study of Tehran, Allameh Tabatabai and Amirkabir Universities)

Mojgan khoshnam <sup>1</sup>

1. Department of Theory–Oriented STI Studies, National Research Institute For Science Policy, Tehran, Iran. E-mail: [khoshnam@nrsp.ac.ir](mailto:khoshnam@nrsp.ac.ir)

Article Info	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> Research Article</p> <p><b>Article history:</b> Received 15 September 2020 Received in revised form 25 June 2023 Accepted 2 September 2023 Published online 20 September 2023</p> <p><b>Keywords:</b> academic socialization, , PhD Student, Amirkabir University, University of Tehran, Allameh Tabatabai University</p>	<p><b>Objective:</b> To achieve a deep and pathological understanding of academic socialization of university students, and to provide policy solutions in order to reduce the harms caused by the process of academic socialization among PhD students.</p> <p><b>Research Methodology:</b> Adopting a qualitative approach and interrogative strategy to understand and interpret students' experiences and their perception of their academic socialization, as well as in-depth semi-structured interviews with 30 PhD students, 5 academic managers and policy-makers.</p> <p><b>Findings:</b> weak social solidarity necessary for the formation of scientific communities, lack of internalization of academic ethics, limited linkage between university and industry which caused inefficiency of doctoral students' professional learning, feeling scientific worthlessness, weak interdepartmental cooperation and interdisciplinary connections, weak scientific authority of professors, and weak international scientific cooperation are among the students' most cited perceptions. Since commitments to train high quality students equipped with critical thinking skills, educational confidence, high moral principles, as well as commitments to industry and international cooperations has been endorsed in the Declaration of Socially Responsible University, an efficient socialization of students is a necessity to realize implementation of the Fourth generation of university.</p>

**Cite this article:** Khoshnam, M. (2023). A Pathological Analysis of Academic Socialization of PhD Students ... *Sociological Review (Social Science Letter)*, 30 (1), 7- 25.

## تحلیل آسیب‌شناسانه از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری (مورد مطالعه دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و امیرکبیر) مژگان خوشنام<sup>۱</sup>

۱. گروه مطالعات نظری علم، فناوری و نوآوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران. رایانامه: [khoshnam@nrisp.ac.ir](mailto:khoshnam@nrisp.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	<b>هدف:</b> دستیابی به توصیف عمیق و آسیب‌شناسانه از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و امیرکبیر و ارائه راهکارهای سیاستی جهت کاهش آسیب‌های ناشی از فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵	<b>روش‌شناسی پژوهش:</b> اتخاذ رویکرد کیفی و استراتژی استقفا برای فهم و تفسیر تجربه‌های دانشجویان و ادراک ایشان از فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی‌شان و مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با ۳۰ دانشجوی دکتری و ۵ مدیر و برنامه‌ریز دانشگاهی انجام شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴	<b>یافته‌ها:</b> ضعف فرهنگ نقدپذیری در اجتماعات دانشگاهی، ضعف در همبستگی اجتماعی لازم برای شکل‌گیری اجتماعات علمی، درونی نشدن اخلاقیات آکادمیک، ارتباط محدود محیط کسب‌وکار با دانشگاه که سبب ناکارآمدی یادگیری شغلی دانشجویان دکتری شده است، احساس بی‌ارزشی علمی، ضعف در همکاری بین‌گروهی و بین‌دانشگاهی، ضعف در مرجعیت علمی اساتید نزد دانشجویان و ضعف همکاری‌های علمی بین‌المللی از جمله ادراکات دانشجویان است. از آنجا که در بیانیه دانشگاه بامسئولیت اجتماعی به آموزش و تربیت دانشجویانی با کیفیت بالا، دارای مواضع انتقادی، برخوردار از اصول اخلاقی والا، دارای اعتماد به نفس و دانشگاه‌هایی با همکاری‌های بین‌المللی و همکاری با محیط کسب‌وکار اشاره کرده است، بنابراین یکی از الزامات تحقق نسل چهارم دانشگاه، جامعه‌پذیری موفق و کارآمد دانشجویان می‌باشد. توصیف عمیق از وضعیت موجود و ارائه راه‌هایی جهت دستیابی به وضعیت مطلوب یکی از زمینه‌های دستیابی به دانشگاه بامسئولیت اجتماعی که از اهداف نظام آموزش عالی ما است، می‌باشد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹	
<b>کلیدواژه‌ها:</b> جامعه‌پذیری دانشگاهی، دانشجوی دکتری، دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی	

استناد: خوشنام، مژگان؛ (۱۴۰۱). تحلیل آسیب‌شناسانه از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری ... . مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۳۰ (۱)، ۷-۲۵.

## ۱. مقدمه

جامعه‌پذیری دانشگاهی<sup>۱</sup> و انتقال هنجارهای دانشگاه، به عنوان یکی از موضوعات مورد توجه در حوزه جامعه‌شناسی علم، فرایندی است که در نتیجه آن انسان دانشگاهی تربیت و پرورش می‌یابد. انسان دانشگاهی کسی است که علم را به خودی خود ارزش تلقی می‌کند و به مجموعه سرمایه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی مانند عادت به خواندن، نوشتن، گفتگو کردن و دیدن و شنیدن دست پیدا می‌کند. نیز باید تفکر انتقادی را به مثابه شیوه‌ای از زیستن و نگرستن به ابژه‌های اطراف خود بیاموزد تا بتواند فکری مولد و زایا داشته باشد (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۳۹۱).

تربیت و جامعه‌پذیری موفق دانشجویان را می‌توان مهم‌ترین محک ارزیابی کارایی دانشگاه‌ها و میزان موفقیت آنها در عمل به رسالت واقعی‌شان در برابر جامعه دانست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از اساسی‌ترین مشکلات دانشگاه‌های ایران ناتوانی آنها در جامعه‌پذیری اعضای خود است. از این رو می‌توان گفت یکی از بهترین سیاست‌های آموزشی، سیاستی است که بتواند فرایندهای جامعه‌پذیری و تعهد هنجاری در دانشگاه‌ها را نشان داده و تقویت کند (صدیقیان، ۱۳۹۶).

دانشجویان دکتری مهم‌ترین تولیدکنندگان دانش در دانشگاه‌ها محسوب می‌شوند (توون، ۲۰۰۹). ایجاد دوره تحصیلات تکمیلی به ویژه مقطع دکتری و بهبود این دوره‌ها از نظر کمی و کیفی از راه‌های کاهش شکاف علمی میان کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه جهان محسوب می‌شود. انتقال ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و اصول اخلاقی به دانشجویان، کارکردهای مهمی دارد و می‌تواند بنیان سرمایه اجتماعی ضروری برای ایجاد جوامع مدنی سالم و فرهنگ‌های منسجم و سنگ بنای حکمرانی خوب و نظام‌های سیاسی دموکراتیک را پی‌ریزی کند (هیوسر، ۲۰۰۷). این توضیحات نشان می‌دهد که درک فرایند جامعه‌پذیری دانشجویان و تجارب آنها در دوره دکتری اهمیت زیادی دارد.

بنابراین اهداف پژوهش را می‌توان اینطور ذکر کرد: توصیف عمیق از جامعه‌پذیری دانشگاهی در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و امیرکبیر از دید دانشجویان مقطع دکتری و ارائه راهکارهای سیاستی جهت کاهش آسیب‌های جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان از نظر برنامه‌ریزان و مدیران دانشگاهی.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۲-۱. پیشینه نظری

این مفهوم از دیدگاه موریتا به معنای فرایند مشارکت در کنش‌های استدلالی اجتماع دانشگاهی و تبدیل شدن به اعضای شایسته اجتماع دانشگاهی تعریف شده است (چو، ۲۰۱۵). برخی از تحقیقات بر نقش بسیار مهم جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان به عنوان والدین آینده بر آموزش فرزندان‌شان و موفقیت و رشد شغلی آنها تاکید دارند (لیم و همکاران، ۲۰۲۰: ۲). دانشمندان درخصوص جامعه‌پذیری این دیدگاه را مطرح می‌کنند که دانشجویان برای موفقیت تحصیلی باید فرهنگ دانشگاهی را فرا بگیرند (تریگس، ۲۰۱۹). جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری از این نظر منحصر به فرد است که دانشجو نه تنها با محیط تحصیلات تکمیلی، بلکه همزمان با نقش حرفه‌ای، اجتماعی می‌شود (آستین، ۲۰۰۲؛ گلد، ۱۹۹۸).

با استناد به مطالعات آستین، اندرسون و همکارانش می‌توان گفت که جامعه‌پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حیات دانشگاهی‌شان، قبل از هر چیز، در بستر و زمینه گروه آموزشی‌شان در دانشگاه صورت می‌پذیرد. تنوع تجربیات جامعه‌پذیری

1. Academic Socialization

2. Cho

دانشجویان تحصیلات تکمیلی به فرهنگ رشته‌های دانشگاهی و در عین حال به ماهیت تحقیق در این رشته، وابسته است. درک دانش مشترک، اصطلاحات خاص، نمادها و آداب گروه برای تازه‌واردان مهم است، زیرا یادگیری این موارد بر کارایی فرد و گروه تاثیر می‌گذارد (کارنی، ۲۰۲۰). دانشجویان تحصیلات تکمیلی حتی درخصوص شیوه نگارش یک پژوهش علمی در رشته تخصصی خود در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی باید آموزش ببینند (ابراهیم و همکاران، ۲۰۱۲).

اکثر اعضای هیئت علمی همانطور راهنمایی می‌کنند که در طول تحصیلات‌شان راهنمایی شده‌اند. در نتیجه، جامعه‌پذیری برحسب شیوه‌های فردی اعضای هیئت علمی متفاوت است (مرجایی، ۱۳۹۶). به گفته براگ راه‌های اجتماعی شدن سه طریق هستند: (الف) تعامل دانشجویان با ساختارهای محیط آموزشی، (ب) تعامل بین دانشجویان در همان برنامه آموزشی، و (ج) تعامل بین دانشجویان و اعضای هیئت علمی (گاردنر، ۲۰۱۰).

در مفهوم جامعه‌پذیری، نقش حرفه‌ای محقق، شامل دو جنبه شناختی و عاطفی است. گاردنر و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که جامعه‌پذیری شناختی بیشتر در مراحل اولیه و جامعه‌پذیری عاطفی در مراحل پیشرفته ایجاد می‌شود. جنبه شناختی از طریق برنامه‌های درسی و طی مراحل گذران واحدهای درسی و تمرینات علمی دانشجویان دکتری به دست می‌آید که با جامعه‌پذیری رسمی تدارک دیده شده در برنامه‌های رسمی انطباق دارد (ویدمن و همکاران، ۲۰۰۱).

جنبه عاطفی، جنبه غیررسمی است که از طریق تعامل و ارتباطات دانشجویان با یکدیگر از معیارهای به رسمیت شناخته شده، اما غیرواضح و بیان نشده نقش محقق، به دست می‌آید. از دانشجویان انتظار می‌رود در کنفرانس‌های علمی شرکت کنند، پژوهش‌هایی به قصد کنجکاوی‌های علمی ترتیب دهند و با محققان دیگر ارتباطات علمی داشته باشند (ویدمن و همکاران، ۲۰۰۱). مرحله غیررسمی از طریق تعامل دانشجویان با دانشجویان سال‌های بالاتر و اعضای هیئت علمی هدایت می‌شود. در این مرحله دانشجویان تحصیلات تکمیلی به توسعه هویت حرفه‌ای خود می‌پردازند (بهرهورستاین و همکاران، ۲۰۱۶).

سه نوع تاکتیک جامعه‌پذیری دانشجویان تشخیص داده شده است. اولین آنها تاکتیک سنتی است. در این تاکتیک بر قبول مسلم هنجارهای دانشگاهی از قبیل کار سخت علمی، بحث و پرسش و انتقاد آزادانه و توسعه خلاقیت‌ها تاکید شده است و غایت شغلی نیز برای این گروه از تاکتیک‌ها، مشاغل عموماً استادی در دانشگاه است. تاکتیک دوم ابزاری است. در این تاکتیک بر رویه‌های کاربردی و آشنا شدن با رویه‌های اداری برای رسیدن به نتایج موفق در گروه تاکید می‌شود و موفقیت با برقراری ارتباطات با کارمندان دانشگاه، دانستن میانبرهای اداری و امور اداری بدست می‌آید. سومین تاکتیک، مطلوبیت اجتماعی است. در این تاکتیک کنشگران علمی خود را برای رویه‌های سیاسی و اجتماعی آماده می‌کنند، افراد وقت بیشتری را در دانشگاه می‌گذرانند و روابط اجتماعی خود را با بیشتر افراد افزایش می‌دهند؛ معیار موفقیت این گروه از کنشگران علمی افزایش سرمایه اجتماعی دانشگاهی به تعبیر بورديو است (مظفری، ۱۳۹۰).

## ۲-۲. پیشینه تجربی

دسته اول از مطالعات به توصیف جامعه‌پذیری دانشگاهی و چگونگی آن در بین دانشجویان پرداختند؛ از جمله (منصوری و همکاران، ۱۳۹۵؛ نودیرا و همکاران، ۲۰۲۰؛ داروین و همکاران، ۲۰۱۹؛ بهرهورستاین و همکاران، ۲۰۱۶؛ رورک و همکاران، ۲۰۱۲؛ گاردنر، ۲۰۱۰؛ گونزالز، ۲۰۰۶؛ ویدمن و آستین، ۲۰۰۱).

دسته دوم از مطالعات، به تبیین عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دانشگاهی پرداختند. بدین معنی که هدف اصلی این پژوهش‌ها دستیابی به علل و عوامل موثر بر افزایش کیفیت جامعه‌پذیری دانشگاهی بوده است. از جمله ( مهديه و همکاران، ۱۳۹۵؛ مظفری و همکاران، ۱۳۹۰؛ محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹؛ یاماموتو و همکاران، ۲۰۱۶؛ رینی و فروسجل، ۲۰۱۱) در این بررسی‌ها نشان داده شد که عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دانشجویان شامل ضعف نظام آموزشی و پژوهشی، ضعف جامعه‌پذیری دانشگاهی استادان، بی‌کیفیتی تعاملات و همکاری‌های علمی میان دانشجویان، ایفای نقش محقق، همکاری‌های دانشگاهی، جو حمایتی برای فعالیت‌های پژوهشی، عوامل نهادی و ساختاری، فرهنگ، قومیت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده می‌باشد.

دسته سوم مطالعات، به پیامدهای جامعه‌پذیری دانشگاهی پرداختند. از جمله ( نیازی و همکاران، ۱۳۹۸؛ جعفری و همکاران، ۱۳۹۸؛ فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۷؛ رشتیانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷؛ قاراخانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ قانع‌راد و همکاران، ۱۳۹۴؛ میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رستگار خالد، ۱۳۹۰؛ ذکایی و همکاران، ۱۳۹۵). براساس یافته‌ها، از پیامدهای مثبت جامعه‌پذیری دانشگاهی می‌توان به ایجاد مشارکت اجتماعی دانشجویان، پایبندی به اخلاق پژوهش، مدیریت بدن، ایجاد انگیزش تحصیلی در دانشجویان و حتی موفقیت تحصیلی کودکانی که والدینی با جامعه‌پذیری دانشگاهی موفق داشتند، اشاره کرد. از طرف دیگر پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در صورت ناکارآمدی در جامعه‌پذیری دانشگاهی، پیامدهای منفی آن متوجه دانشجویان می‌شود. از جمله ضعف در هویت حرفه‌ای دانشجویان، بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی دانشجویان و ناراستی‌های اخلاق علم. در مقایسه پژوهش‌های انجام شده با پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این پژوهش سعی شده تا به درک دانشجویان نسبت به جامعه‌پذیری دانشگاهی خود پرداخته شود.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

رویکرد کیفی و استراتژی استقهامی برای فهم و تفسیر و تحلیل تجربه‌های دانشجویان مقطع دکتری و ادراک ایشان از فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی‌شان مورد استفاده قرار گرفته است. باتوجه به اینکه هدف ما در این پژوهش دستیابی به تحلیل آسیب‌شناسانه از ادراک دانشجویان دکتری از جامعه‌پذیری دانشگاهی و ارائه مفاهیم بدست آمده به صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان بوده است، بنابراین روش تجزیه و تحلیل تماتیک را برای دستیابی به این هدف انتخاب کرده‌ایم.

مفهوم جامعه‌پذیری دانشگاهی را در چهار بعد توانایی تسلط بر محتوای یک حوزه علمی مشخص، زیست زندگی روزمره بسان دانشجوی تحصیلات تکمیلی، یادگیری حرفه‌ای که دانشجو سرانجام آن را انجام خواهد داد و همسان ساختن خود با گروه آموزشی، مورد بررسی قرار دادیم.

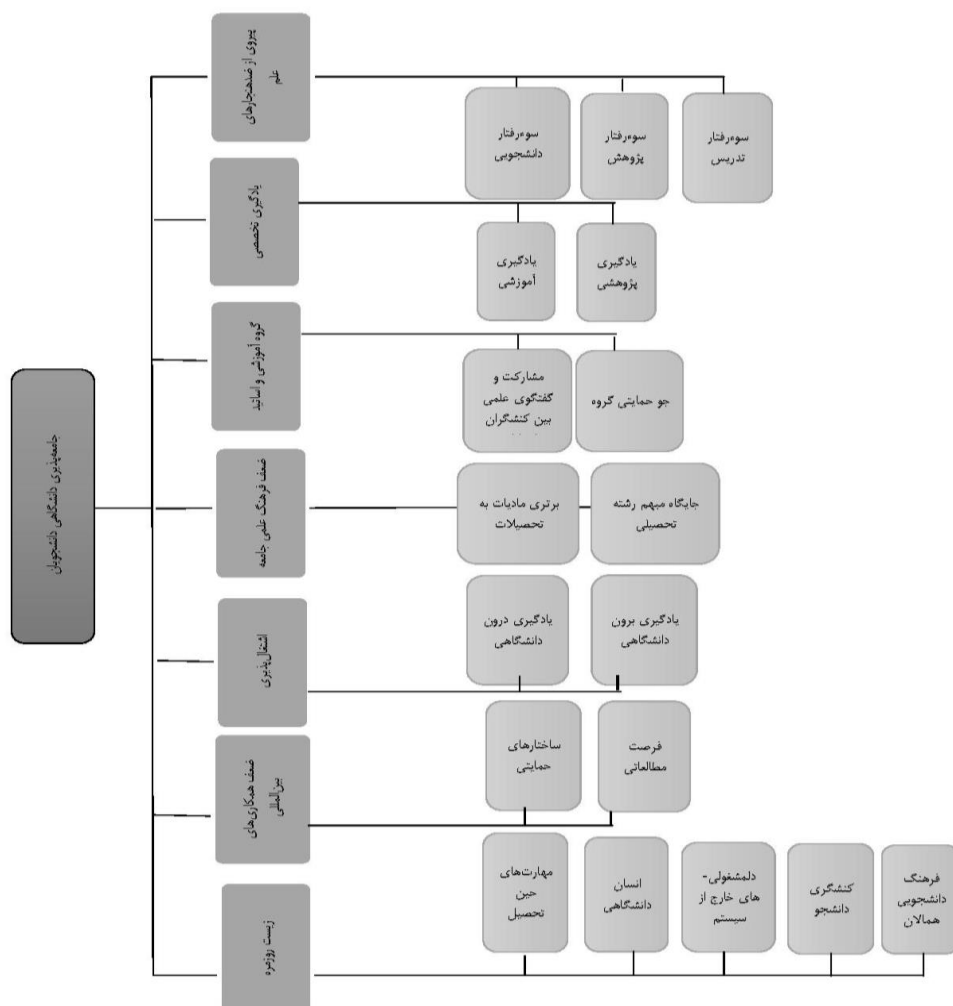
میدان مورد بررسی، دانشجویان مقطع دکتری دانشگاه تهران (به عنوان دانشگاه جامع)، دانشگاه علامه طباطبایی (به عنوان دانشگاه علوم انسانی) و دانشگاه امیرکبیر (به عنوان دانشگاه صنعتی) از رشته‌های گوناگون تحصیلی می‌باشند. اهمیت دانشجویان دکتری برای بررسی نظری و تجربی بدین دلیل است که این گروه از دانشجویان جانشینان احتمالی استادان فعلی و پژوهشگران حرفه‌ای آینده هستند. بنابراین ارزیابی روند نقش‌پذیری و جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری در دانشگاه‌ها به دلیل تولید علم بوسیله این افراد اهمیت بسیاری دارد.

نمونه‌ای با رعایت تنوع از دانشجویان دانشکده‌های مختلف سه دانشگاه ذکر شده انتخاب و نمونه‌ها را تا آنجا ادامه دادیم که به «اشباع نظری» رسید و اینطور به نظر رسید که پاسخ‌های جدید و متنوعی به سوالات مصاحبه نمی‌دهند و پاسخ‌ها در یک دامنه‌ای

تکرار می‌شوند. نمونه‌گیری نظری<sup>۱</sup> متناسب با هدف پژوهش ما به کار می‌رود. نمونه‌گیری نظری در طی مراحل پژوهش توسعه می‌یابد و نمی‌توان آن را از قبل طراحی کرد. اندیشه‌ها و مفاهیم نظری، گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (هومن، ۱۳۹۴). با این روش به مصاحبه با ۳۰ دانشجوی دکتری پرداختیم. پس از آن با ۵ صاحب‌نظر و مدیر دانشگاهی جهت دستیابی به راهکارهای سیاستی کاهش آسیب‌های جامعه‌پذیری دانشگاهی مصاحبه انجام شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

ادراکات دانشجویان از «جامعه‌پذیری دانشگاهی» خود در ۷ مفهوم دسته‌بندی و برای هر کدام مضامینی تعریف شده است که در شکل ۱ قابل مشاهده می‌باشد.



شکل ۱. مفاهیم و مضامین جامعه‌پذیری دانشگاهی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

#### ۴-۱. پیروی از ضدهنجارهای علم

مفهوم پیروی از ضدهنجارهای علم، مطابق ادراکات دانشجویان شامل مضامین سوءرفتار دانشجویی، سوءرفتار پژوهش و سوءرفتار تدریس می‌شود. برخی دانشجویان خود و دانشجویان دیگر را دچار فردگرایی، منفعت‌طلبی، دارای روحیه رقابت ناسالم و عدم رعایت مهارت‌های اجتماعی در برخوردهای روزمره و بی‌نظم در مشارکت کلاسی و پروژه‌های تحقیقاتی می‌دانند. در کنار این موضوع آنچه مهم به نظر می‌رسد نقش اساتید در انتقال ارزش‌های اخلاقی و علمی و الگوبرداری دانشجویان از ایشان می‌باشد. هیئت علمی رشدیافته می‌تواند از طریق رفتار و منش خود بر جامعه‌پذیری دانشجویان و انتقال هنجارهای آکادمیک به آنها کمک کند.

دانشجویان دکتری، برخی از اساتید خود را در پیروی از هنجارهای علم در وضعیت خوبی توصیف نمی‌کنند. از جمله مفاهیم مطرح شده در این زمینه، ورود برخی اساتید در حوزه‌های مطالعاتی و پژوهشی خارج از حیطه تخصصی خود، بهره‌کشی علمی از دانشجویان و عدم‌مسئولیت‌پذیری در قبال دانشجویان، ضعف در برقراری ارتباط با دانشجویان، خاص‌گرایی و اعمال سلیقه شخصی در ارزیابی و نمره‌دهی به دانشجویان و حساست علمی می‌باشد. بنابر نظر هابرماس که تاکید بر عقلانیت ارتباطی دارد، به نظر می‌رسد زمانی دستیابی به اخلاقیات علمی در تمام جنبه‌های آن برای دانشگاهیان و دانشجویان فراهم شود که نظام آموزشی ما از عقلانیت استراتژیک به عقلانیت ارتباطی دست یابد. عقلانیت ارتباطی می‌تواند از طریق تقویت کنش‌های ارتباطی، تعاملات کنشگران علمی درون نهاد علم و تقویت اجتماعات علمی قابل تحقق باشد.

ضمن اینکه می‌بایست به این نکته توجه شود که دانشجویان دکتری به عنوان پژوهشگران و تولیدکنندگان علمی می‌توانند اعضای هیئت علمی آینده جامعه دانشگاهی باشند. کمااینکه دورنما و امید بسیاری از دانشجویان قرار گرفتن در موقعیت هیئت علمی می‌باشد. بنابراین در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی، الگوبرداری و ادامه یافتن این سیر معیوب و تکرار سوءرفتارهای علمی که امروز برخی دانشجویان دکتری از طرف اساتید خود شاهد آن هستند، دور از ذهن نیست.

#### ۴-۲. یادگیری تخصصی

مفهوم یادگیری تخصصی در ادراکات دانشجویان دکتری، به مضامین یادگیری آموزشی و یادگیری پژوهشی تقسیم‌بندی شده است. دانشجویان در زمینه یادگیری آموزشی به انعطاف، کارایی و یا ناکارآمدی واحدهای درسی و آموزشی اشاره کردند. بی‌ربط بودن واحدهای درسی به پروژه و رساله دانشجویان، ارائه مباحث تکراری و استفاده از جزوه‌ها و مطالب قدیمی، بی‌ارتباط بودن مباحث آموزشی با نیازهای جامعه و دنیای بیرون از دانشگاه و کاربردی نشدن مباحث آموخته شده در کلاس درس از جمله مفاهیمی است که توسط دانشجویان بیان شده است.

در توضیح این مفهوم می‌توان به تفاوت رشته‌ای و دانشگاهی اشاره کرد. دانشجویان رشته‌های فنی-مهندسی، واحدهای آموزشی و درسی خود را از کارایی بالاتری برخوردار می‌دانند و دلیل این امر را انعطاف نسبی واحدهای درسی و گذراندن واحدهای متناسب با رساله دکتری خود می‌دانند. در طرف مقابل دانشجویان حوزه‌های علوم انسانی در ابتدای ورود به مقطع دکتری، به طور مشخص حوزه کاری و تخصصی خود را تعیین نکرده، بنابراین به گذراندن واحدهای درسی می‌پردازند که گاه کمتر موردعلاقه و موردنیاز خود می‌دانند. بنابراین پس از گذشت یک الی دو سال احساس اتلاف وقت و عدم یادگیری آموزشی در راستای موضوع رساله، در فرایند جامعه‌پذیری خود قرار می‌گیرند.

دانشجویان در مفهوم یادگیری پژوهشی به نکات مهمی اشاره می‌کنند. عدم مهارت کاربرد دانش، ضعف در برقراری ارتباط میان مباحث تئوریک آموخته شده با نیازها و چالش‌های جامعه، آموزش ندیدن در بعد عملی دروس آموخته شده، کاربردی نبودن بسیاری

از رساله‌های دکتری، نبود برنامه پژوهشی برای دانشجویان حوزه علوم انسانی از ابتدای ورود به مقطع دکتری، توجه کمتر به آموزش روش تحقیق در برخی از رشته‌های تحصیلی، عدم آماده‌سازی دانشجویان در زمینه پژوهشی برای انجام پژوهش‌های کاربردی و برقراری ارتباط پژوهشی با سازمان‌ها و شناسایی مسائل و ارائه راهکارها و پیشنهادات سیاستی جهت حل این مسائل را از جمله چالش‌های خود در یادگیری پژوهشی در دوره دکتری عنوان می‌کنند.

#### ۳-۴. گروه آموزشی و اساتید

منظور از گفتگو میان کنشگران دانشگاهی در اینجا، تعامل علمی میان اساتید و دانشجویان در ابعاد گوناگون تشویق علمی، راهنمایی و مشاوره رساله، یادگیری علمی و نیز تعاملات اساتید گروه آموزشی با یکدیگر می‌باشد.

مقبولیت و مرجعیت اساتید متأثر از عوامل متعددی است که دانشجویان از رشته‌های تحصیلی گوناگون به آن‌ها اشاره می‌کنند: فعالیت‌های علمی اساتید، چاپ مقالات در ژورنال‌هایی با رتبه بالا، انتقال بینش علمی قوی و تفکر نظام‌مند به دانشجویان، پایبندی به هنجارهای اخلاق علمی توسط اساتید، تشویق علمی، کمک کردن به دانشجو در تبدیل ایده‌های خام به مطالب علمی، برقراری ارتباط مثبت و سازنده با دانشجویان، انتقال تجربیات مثبت و منفی خود به دانشجویان، تاثیرگذاری بر جنبه‌های غیرعلمی و شیوه رفتار فردی و اجتماعی دانشجویان.

دانشجویان تعاملات ضعیف و ناکارآمد بین خود و اساتید را در افزایش استرس در مراحل مختلف تحصیلی از گذراندن واحدهای درسی تا طی کردن فرایند رساله و کاهش انگیزه تحصیلی خود موثر می‌دانند. از دیگر مواردی که توسط دانشجویان اشاره می‌شود، ضعف در تعاملات علمی اساتید گروه آموزشی با یکدیگر، فردگرایی و خودداری از انجام فعالیت‌های علمی به صورت گروهی در بین اساتید، ارتباط ضعیف گروه‌ها و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف با یکدیگر و غرور علمی بوده است.

برخی از دانشجویان زن مورد بررسی در این پژوهش از کنار گذاشته شدن از زیست جهان علمی و شبکه ارتباطی غیررسمی با اساتید می‌گویند. این مولفه در میان تمام زنان دانشجو تکرار نشده بود، اما در رشته‌های فنی-مهندسی، به دلیل حضور بیشتر اعضای هیئت علمی و دانشجویان مرد، بیشتر ذکر شده است. شبکه ارتباطی غیررسمی اساتید با دانشجویان در قالب مطالعات خارج از دانشگاه، شرکت در سفرهای علمی و کنفرانس‌هایی در شهرهای دیگر، تفریحات بیرون از دانشگاه و در زمان تعطیلات ترسیم می‌شوند و در این قالب‌ها حضور زنان توأم با موانعی است.

دانشجویان زیادی برند و صاحب‌نام بودن دانشگاه محل تحصیل خود را دلیل اظهار رضایت و وابستگی به دانشگاه و بطور خاص گروه آموزشی خود می‌دانند. از موارد دیگری که در ادغام و وابستگی دانشجویان دکتری به گروه آموزشی موثر بوده است، رضایت از استاد راهنما، مشورت‌های شغلی اعضای گروه و به خصوص مدیر گروه، دریافت حمایت عاطفی توسط گروه در مواردی از جمله بارداری دانشجوی زن و یا بیماری، شنیدن نظرات و پیشنهادات دانشجویان در موارد تصمیم‌گیری، همراهی با دانشجو در برگزاری نشست و کارگاه‌ها، پیوستگی جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان بدین معنی که دانشجویان تمام مقاطع تحصیلی خود را در یک دانشگاه و یک گروه آموزشی گذرانده باشند، تمام این عوامل بر احساس ادغام ایشان تاثیرگذار بوده است. زمانی که موارد گفته شده تحقق یابد و دانشجو احساس ادغام و وابستگی به گروه آموزشی خود داشته باشد، حضور فیزیکی خود در دانشگاه را بیشتر می‌کند، تعاملات صمیمی با اساتید را گسترش داده و انگیزه و یادگیری علمی دانشجو افزایش می‌یابد.



#### ۴-۴. اشتغال‌پذیری

دانشجویان رشته‌های فنی-مهندسی دسترسی به مواد و ابزار را برای یادگیری خدمات و آمادگی شغلی خود مهم و حیاتی می‌دانند. گران بودن ابزار، محدودیت تعداد ابزار و مواد، نقش تحریم‌های بین‌المللی در دسترسی کمتر و گرانتر به این مواد، باعث روبه‌رویی دانشجویان با مشکلات عدیده‌ای در فرایند تدوین رساله دکتری‌شان می‌شود. دانشجویان در مواردی موضوع پروژه خود را تغییر داده و ناگزیر به انجام پروژه‌های تئوریک می‌شوند. در این موارد دانشجویان دکتری رشته‌های فنی-مهندسی حس مفید و تاثیرگذار بودن در رشته تحصیلی خود و امکان کاربردی و عملیاتی کردن دانش خود را دریافت نمی‌کنند.

از مزایای دستیاری آموزشی برای دانشجویان دکتری، کسب تجربه آموزش، انگیزه برای مطالعه منابع بیشتر و به‌روزتر، تقویت رزومه تحصیلی، یادگیری عمیق‌تر مفاهیم تخصصی، توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی و استفاده از تجربیات اساتید در این زمینه، ارتباط‌گیری با اساتید دیگر، افزایش اعتماد به نفس در حیطه تخصصی خود، یادگیری شیوه مدیریت کلاس، مدیریت زمان، نحوه تدریس و تعامل می‌باشد. در کنار این موارد، دانشجویان دستیاری آموزشی اساتید را دارای معایب و ضعف‌هایی می‌دانند. از جمله پرگفته‌ترین این موارد می‌توان به عدم تامین مالی در مقابل وقت و انرژی‌ای که صرف شده اشاره کرد. دانشجویان رشته‌های فنی-مهندسی نسبت به دانشجویان رشته‌های دیگر، فرصت دستیاری آموزشی بیشتری در کنار اساتید را تجربه کرده‌اند.

از موانع تحقق فرصت دستیاری پژوهشی برای دانشجویان دکتری، مشغله زیاد اساتید و مسئولیت‌های اجرایی ایشان، انحصارطلبی و ضعف روحیه کار تیمی و فعالیت‌های گروهی می‌باشد. از مهم‌ترین انگیزه‌های دانشجویان برای دسترسی به فرصت دستیاری پژوهشی اساتید، کسب درآمد، تقویت رزومه تحصیلی خود و انجام مقاله‌های مشترک می‌باشد.

نظر کالینز که دو الگوی انتقال معرفت را مقایسه می‌کند، می‌تواند در این تحلیل به ما کمک کند: الگوی «الگوریتمی» پیش-فرض می‌گیرد که مجموعه‌ای از توصیفات صوری یا دستورالعمل‌ها می‌توانند کافی باشند؛ و الگوی «فرهنگ‌پذیری»<sup>۱</sup> پیش‌فرض می‌گیرد که نوعی اجتماعی شدن ضرورت دارد. برخی معارف می‌توانند به شکل نوشته شده یا برخی اشکال مشابه، به اشتراک گذارده شوند اما برخی از اطلاعات فقط از طریق فرایند اجتماعی شدن منتقل می‌شوند. این همان معرفت ضمنی است. به نظر می‌رسد که در فضای دانشگاهی ایران و در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی، اکثراً از الگوی الگوریتمی استفاده می‌شود و در روش‌شناسی ضعف داریم. در صورتیکه دانشجویان بتوانند در الگوی فرهنگ‌پذیری آموزش یابند، می‌توانند در کنار اساتید مهارت‌های پژوهشی، مهارت تدریس، نحوه بیان علم و مهارت نوشتاری را بیاموزند. اما در الگوی الگوریتمی مهارت‌ها و روش پژوهش، با معرفی کتب و جزوه‌ها در این زمینه انجام می‌شود.

بخشی از فرایند اشتغال‌پذیری در تجربیات برون‌دانشگاهی برای دانشجویان تحقق می‌یابد. ضعف ارتباط با صنعت و فضای کسب‌وکار از مفاهیم مطرح شده توسط تمام دانشجویان رشته‌های فنی-مهندسی است. این موضوع از این رو اهمیت دارد که بنابر رویکرد دانشگاه کارآفرین، دانشگاه در قبال تحولات، نیازها و تقاضاهای جامعه مسئول و متعهد است. یکی از راه‌های پاسخگویی به این تعهد، تربیت دانشجویانی است که مهارت استفاده کاربردی از دانش تخصصی خود در محیط بیرونی دانشگاه، محیط‌های کاری مختلف، صنعت و غیره را فراگرفته باشند (ماحوزی، ۱۳۹۶). آنچه که دانشجویان مورد مطالعه ما به آن اشاره کرده‌اند، ارتباط ضعیف اساتید با بخش صنعت و ورود محدود به رقابت انجام پروژه‌های صنعتی که به تبع عدم ارتباط دانشجویان با صنعت را نیز سبب می‌شود، تمایل اندک صنعت برای ورود دانشگاه به این بخش و عدم کارایی دروس خوانده شده توسط دانشجویان در بخش صنعت بوده است.

دانشجویان دکتری، واحدهای کارورزی را بسیار فرمالیته و بدون کارایی و کیفیت لازم ارزیابی می‌کنند و دلیل آن را نبود نظارت بر چگونگی گذران این دوران و نیز خودداری بخش‌های مختلف صنعت در ارائه اطلاعات به دانشجویان دکتری در دوره کارورزی می‌دانند. دانشجویان فقدان واحدهای آموزشی کارورزی (برای رشته‌های علوم انسانی) و یا کیفیت پایین این واحدهای عملی (برای دانشجویان فنی-مهندسی) را سبب بی‌نتیجه شدن تحصیل خود، علی‌رغم دانش نظری قوی، احساس غیرمفید بودن و عدم کسب تجربه و مهارت لازم برای ورود به بازار کار می‌دانند.

#### ۴-۵. زیست روزمره

جنبه غیررسمی جامعه‌پذیری دانشگاهی می‌تواند سبب یادگیری چگونگی تولید و تبادل علم از کانال‌های گوناگون غیررسمی از جمله شرکت در کنفرانس‌ها، سمینارها و همایش‌ها، عضویت در انجمن و کانون‌های دانشگاه، ارتباطات دانشگاهی، تعامل علمی با محققان، معاشرت رشته و بین‌رشته‌ای با دانشجویان دیگر، شرکت در مباحثات غیررسمی دپارتمان و توسعه مهارت‌های فردی، اجتماعی و مهارت‌های حین تحصیل باشد. همانطور که در نظریه زیست‌جهان وتس مطرح می‌شود زیست‌جهان علم، قدرت حیاتی خود را از طریق گفت‌وگوی روزانه اهل دانش، بازسازی و بازتولید می‌کند. دانش تنها از طریق متون منتقل نمی‌شود. علم در «میان ذهنیت» و در وجدان جمعی اهل دانش حضور دارد. بسیاری از محققان نیز معتقد هستند که دانشگاه تنها محل آموزش، تولید علم و فناوری و صرفاً یک سازمان مادی نیست. امروزه رسالت اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاه برای تربیت شهروند خوب مورد تاکید است (یمینی، ۱۳۸۰).

دانشجویان دکتری انتظار دارند در کنار یادگیری رشته علمی تخصصی خود، مهارت‌های دیگری از جمله مهارت‌های زندگی، مهارت‌های نوشتاری جهت انجام پژوهش‌های بهتر و نیز مهارت سخنرانی علمی جهت آمادگی برای شغل هیئت علمی و یا سخنرانی در همایش‌ها و نشست‌های علمی و حتی کاهش استرس در زمان ارائه رساله در جلسه دفاع را فراگیرند. برخی از آنها در کنار سایر عوامل اثرگذار، تقلب و کپی‌برداری از پایان‌نامه و پژوهش افراد دیگر را نداشتن مهارت نگارش علمی عنوان کردند.

این بخش از جامعه‌پذیری دانشگاهی که با عنوان زیست روزمره دانشجو بسان دانشجوی تحصیلات تکمیلی نام برده شده است، متناسب با تاکتیک مطلوبیت اجتماعی جامعه‌پذیری می‌باشد. در این تاکتیک، کنشگران علمی خود را برای رویه‌های سیاسی و اجتماعی آماده می‌کنند، افراد وقت بیشتری را در دانشگاه می‌گذرانند، در گروه‌های سیاسی و اجتماعی دانشجو عضو می‌شوند و روابط اجتماعی خود را با بیشتر افراد افزایش می‌دهند؛ معیار موفقیت این گروه از کنشگران علمی افزایش سرمایه اجتماعی دانشگاهی به تعبیر بورديو است. اما آنچه از ادراک دانشجویان دکتری مورد بررسی در پژوهش حاضر بدست می‌آید تمایل اندک آنها به عضویت و فعالیت در گروه‌های اجتماعی-سیاسی، انجمن‌ها و کانون‌های دانشگاهی است. آنها دلیل این امر را کمبود وقت حضور در دانشگاه، شاغل بودن، ارجحیت فعالیت‌های علمی و پژوهشی و ارزشمند ندانستن اینگونه فعالیت‌ها عنوان می‌کنند. تعداد کمی از دانشجویان نیز عضویت در انجمن‌های دانشجویی را جهت دستیابی به مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، رویارویی با چالش‌ها و توانایی حل مسئله، رشد ابعاد مختلف شخصیت، آشنایی با دانشجویانی از رشته‌های مختلف و شکل‌گیری فعالیت‌های علمی بین‌رشته‌ای ضروری می‌دانند.

احساس سرخوردگی و عدم ارزشمندی بدلائیل متعددی به دانشجویان منتقل می‌شود. از جمله این دلایل می‌توان به سختی هماهنگی بین شغل و تحصیل و انجام کار باکیفیت علمی، عدم دریافت تشویق، تایید و احترام به دانشجویانی که فعالیت علمی یا غیرعلمی مثبتی در دانشگاه انجام می‌دهند، عدم تقویت روحیه پرسشگری در دانشجو، برآورده نشدن نیازهای مالی و موقعیت شغلی دانشجویان، احساس عدم تاثیرگذاری و عملیاتی نشدن مطالعات علمی، سرایت رخوت و بی‌انگیزگی به دلیل مشکلات متعدد جامعه

به دانشگاه، عواقب بد انتقاد دانشجویان از اساتیدشان و تاثیرگذاری در نمره‌دهی، عدم انتقال عادت به خواندن و نوشتن و گفت‌وگو کردن به عنوان عادات آکادمیک از طرف دانشگاه و اساتید، وجود باندبازی در سیستم، توجه صرف بر نگارش مقاله و عدم تاکید به ایجاد تفکر و ایده‌های جدید، عدم هماهنگی مطالب آموخته شده در دانشگاه با بازار کار، انتقال مستقیم یا غیرمستقیم حس ناامیدی و بی‌انگیزگی اساتید به دانشجویان اشاره کرد. این احساس سرخوردگی و ناامیدی که تحت تاثیر عوامل گفته شده در آنها شکل می‌گیرد، سبب پشیمانی دانشجویان از ورود به مقطع دکتری و بی‌انگیزگی تحصیلی می‌شود.

برند بودن دانشگاه و تحصیل در دانشگاه‌های طراز اول کشور، یکی از موارد مهم دانشجویان در کسب احساس رضایت از تحصیل و اعتماد به نفس عنوان شده است. دلیل احساس افتخار خود به دانشگاه را مواردی عنوان کرده‌اند، از جمله: دستیابی به موقعیت شغلی بالاتر، ذهنیت مثبت اطرافیان، کسب شان و احترام و جایگاه اجتماعی بالاتر، احساس مهم بودن، احساس افتخار در زمان معرفی خود به دیگران، دسترسی به اساتید مطرح در رشته تحصیلی و همچنین فراهم کردن مزایا از طرف دانشگاه برای فارغ التحصیلان خود.

یکی از مهم‌ترین دلمشغولی‌ها برای دانشجویان دکتری، دغدغه استقلال مالی می‌باشد. از یک طرف سیستم دانشگاه و گروه آموزشی از دانشجوی دکتری انتظار فعال و پویا بودن، حضور در دانشگاه و ارتباط مداوم و موثر با اساتید، مشارکت سازمانی بالا، بهره‌وری علمی شامل چاپ مقالات در مجلات با رتبه بالا، شرکت در سمینارها و همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی داخلی و خارجی و اجتماعات علمی، نظم در ارائه پروژه‌های تحقیقاتی، کلاسی و رساله دکتری را دارند و از طرف دیگر دانشجوی بدلیل عدم حمایت مالی، ناگزیر از اشتغال بیرون از دانشگاه جهت کسب درآمد می‌باشد. این وضعیت دوگانه دانشجوی دکتری را دچار سردرگمی، نارضایتی از خود، سرخوردگی و پایین آمدن انگیزه تحصیلی می‌کند.

بسیاری از دانشجویان حمایت مالی دانشگاه از دانشجویان مقطع دکتری را در تقویت احساس تعهد، افزایش بهره‌وری علمی، مشارکت سازمانی بالاتر (بدلیل حضور تمام وقت در دانشگاه)، افزایش مشارکت و گفتگو بین کنشگران علمی و کاهش اضطراب و استرس‌های ناشی از هماهنگی بین شغل و تحصیل و در نهایت افزایش انگیزه تحصیلی موثر و مهم می‌دانند. آنها، دانشجوی دکتری بودن را شغل تمام وقت می‌دانند که نیازمند فراغ بال برای تحقیق، تفکر، مطالعه، همکاری پژوهشی، تعاملات گسترده با سایر دانشجویان و اساتید می‌باشد که در صورت دغدغه مالی بسیاری از این وظایف بالاچار توسط دانشجو کنار گذاشته شده و طبیعتاً بخشی از فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دچار نقصان و اختلال خواهد شد.

شرکت در سمینارها، همایش‌ها و کنفرانس‌ها، بخش دیگری از زیست روزمره دانشجویان است که بعدی از جامعه‌پذیری دانشگاهی ایشان را شکل می‌دهد. تعداد زیادی از دانشجویان تمایلی به شرکت در سمینارهای داخلی ندارند و دلایل متفاوتی را بیان می‌کنند. از جمله پذیرش مقالات ضعیف، باندبازی و پذیرش مقالات اساتید صاحب‌نام به جای دانشجوی ناشناخته، تکرار مکررات و عملیاتی نشدن و تاثیرگذار نبودن سخنرانی‌ها و امتیاز پایین مقالات سمیناری برای دانشجویان. از طرف دیگر تعداد محدودی از دانشجویان انگیزه‌هایی از جمله آشنایی با حوزه‌های کاری جدید در تخصص خود، ایده گرفتن از دیگران، آشنایی و تعامل با اساتید مطرح و صاحب‌نام از دانشگاه‌ها و موسسات گوناگون و شناساندن خود به دیگران را برای شرکت در سمینارها و همایش‌ها بیان می‌کنند. شناخت موثران فکری و دانشمندان کلیدی و شبکه‌های دانشگاهی در کنفرانس‌ها و جلسات توسط دانشجویان اتفاق می‌افتد.

دانشجویان مورد بررسی در این پژوهش، تعاملات بین‌رشته‌ای را ضروری دانسته و سعی می‌کنند تا از طریق برقراری ارتباط با دوستان خود از رشته‌های مختلف به این نیاز پاسخ دهند، اما معتقد هستند که فعالیت‌های علمی بین‌رشته‌ای و فعالیت‌های گروهی و تیمی در میان دانشجویان و اساتید جای خود را پیدا نکرده است. دانشجویان بطور کلی تعاملات خود با سایر دانشجویان هم‌رشته‌ای

را ضعیف و محدود ارزیابی می‌کنند و مشورت‌های علمی را در قالب دوستی‌های دونفره و نه جمعی و تیمی پیش می‌برند. تمام دانشجویان دکتری از رشته‌های گوناگون نیاز به داشتن اتاق در دانشگاه را برای خود ضروری می‌دانند؛ فضایی که امکان تعاملات دانشجویی و تبادل اطلاعات و فعالیت‌های پژوهشی مشترک را فراهم می‌کند. فراهم بودن اتاق، عامل بسیار مهمی برای تسهیل و توسعه فرهنگ مشارکت در میان ایشان است.

#### ۴-۶. ضعف همکاری‌های بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تعاملات دانشجویان خصوصاً در مقطع دکتری که مرحله‌ی آمادگی برای حضور جدی در مجامع علمی است، تعاملات بین‌المللی با اساتید و دانشجویان و شرکت در کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی می‌باشد، که فرصت‌های جامعه‌پذیری در حوزه بین‌المللی را برای ایشان فراهم می‌کند. دانشجویان دکتری از رشته‌های تحصیلی گوناگون به ضعف همکاری‌های بین‌المللی اشاره می‌کنند که در مضامین ساختارهای حمایتی و مولفه‌های کنفرانس‌ها و نشست‌های خارجی و تبادل دانشجویان خارجی و داخلی توصیف شده است. بسیاری از دانشجویان دکتری شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی را برای خود غیرممکن و حمایت‌های دانشگاه خصوصاً حمایت‌های مالی را در این زمینه ناکافی می‌دانند. دانشجویان دیگری که در این نشست‌ها و کنفرانس‌ها شرکت کرده‌اند این اتفاق را تجربه بی‌نظیری توصیف می‌کنند که امکان زیست در دانشگاه و گروه آموزشی در کشور دیگر، کسب تجربه از تعاملات، ارتباط‌گیری با افراد و صاحب‌نظرانی از دانشگاه‌ها و کشورهای مختلف را فراهم کرده است.

در موضوع همکاری‌های بین‌المللی، استفاده از فرصت مطالعاتی خارج از کشور موضوع بسیار مهمی برای دانشجویان دکتری می‌باشد. دانشجویان زیادی تمایل به استفاده از این فرصت‌ها دارند، اما به دلایل زیادی تعداد بسیار کمی از دانشجویان از این فرصت استفاده می‌کنند. از جمله دلایل آن حمایت‌های مالی کم، پروسه اداری طولانی و سخت، نداشتن مهارت‌های زبانی و علمی و موانع سیاسی در عرصه بین‌المللی می‌باشد.

#### ۴-۷. ضعف فرهنگ علمی جامعه

تمام مولفه‌های اثرگذار بر فرایند یک جامعه‌پذیری دانشگاهی موفق، در درون دانشگاه اتفاق نمی‌افتد. فرهنگ علمی جامعه و ارزش‌مندی علم در جامعه بر جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری، انگیزه تحصیلی آنها، احساس ارزشمندی و مفید بودن و به دنبال آن کسب ویژگی‌های انسان دانشگاهی که هدف نهایی فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی است، اثرگذار می‌باشد. دانشجویان مورد مطالعه ما به ضعف فرهنگ علمی جامعه و بی‌ارزش شدن علم و علم‌آموزی اشاره می‌کنند، که در دو مولفه برتر دانستن مادیات نسبت به تحصیلات و جایگاه مبهم رشته تحصیلی نزد جامعه و دولت مورد بررسی قرار گرفته است.

دانشجویان دکتری از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و امیرکبیر علی‌رغم اینکه در بسیاری از مواقع از تجربه افتخار به برند دانشگاه محل تحصیل خود می‌گویند، در کنار آن از برتر بودن مادیات در جامعه نسبت به تحصیلات احساس ناخوشایند، بی‌ارزش و عبث بودن مسیری که طی می‌کنند را دارند. دانشجویان سرمایه فرهنگی خود را با سرمایه اقتصادی گروه‌های دیگر (مثلاً بازاریان) مقایسه می‌کنند، جایگاه حرفه‌ای خود را در بازار کار مبهم دانسته و پاداش تحصیلات دانشگاهی با زحمات متحمل شده را متناسب نمی‌دانند. دانشجویان علوم انسانی از رشته‌های جامعه‌شناسی و فلسفه معتقد هستند که رشته تحصیلی آنها جایگاه و اعتبار بالایی در جامعه و دولت ندارد و احساس تاثیرگذار بودن در فرایندهای مختلف تصمیم‌گیری در سطح خارج از دانشگاه را ندارند. به نظر می‌رسد بخشی از این مسئله به نوع تفکر و دیدگاه‌های نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در عدم نیاز به متخصصین این رشته-

های دانشگاهی برمی‌گردد و برخی دیگر به عدم تعریف دقیق کارکردها و نحوه‌ی ایفای نقش اینگونه رشته‌های تحصیلی در نظام اجتماعی مربوط می‌شود. همچنین دانشجویان رشته‌های دیگر همچون مهندسی به دلیل کاربردی نشدن تحقیقات و مطالعات علمی احساس بی‌ارزشی و بی‌اعتباری علم خود و عدم تاثیرگذاری در صنعت کشور را دارند.

## ۵. بحث

در بیانیه کنفرانس جهانی آموزش عالی یونسکو در سال ۱۹۹۸ اعلام شد که مسئولیت دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی صرفاً آموزش جوانان و فراهم کردن فرصت رشد حداکثری برای آنان نیست. بلکه باید به جوانان بیاموزند که چگونه این توانایی‌ها و استعدادها را با حداکثر مسئولیت اجتماعی به کار بندند. این بیانیه تحقق دانشگاه‌ها و موسسات با مسئولیت اجتماعی بالا را در چند بند ممکن می‌داند: آموزش باید با هدف تربیت فارغ‌التحصیلانی با کیفیت بالا و شهروندانی مسئول، دارای مواضع انتقادی و غیرسوگیرانه، برخوردار از اصول اخلاقی والا و دارای توانایی‌های انتقادی و آینده‌نگری باشند. مشارکت دموکراتیک و تعامل مدنی دانشجویان را افزایش داده و نیز اعتماد به نفس آن‌ها برای بیان نظراتشان را تقویت کند. طبق این بیانیه، دانشجویان باید طوری تربیت شوند که بتوانند انتقادی بیندیشند، مشکلات جامعه را تحلیل کنند، به دنبال راه‌حل برای مشکلات جامعه باشند، این راه‌حل‌ها را اعمال کنند و مسئولیت‌های اجتماعی خود را بپذیرند. در مدلی که از مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها ترسیم شده، همکاری بین‌دانشگاهی، همکاری دانشگاه با سایر موسسات، همکاری اجتماع‌محور بین دانشگاه و محیط کسب‌وکار و همکاری بین‌المللی اجتماع‌محور ذکر شده است (درک کی بوک، ۱۳۹۶).

همانطور که در این بیانیه اشاره شده است، تربیت دانشجویان یا به بیان دیگر جامعه‌پذیری ایشان یکی از راه‌های تحقق و دستیابی به دانشگاه نسل چهارم یا دانشگاه با مسئولیت اجتماعی می‌باشد. باتوجه به اهمیت موضوع، نیاز به شناخت دقیق و توصیف عمیق از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان وجود دارد تا آسیب‌های این فرایند، از دید دانشجویان، کشف و راهکارهای برون رفت از آسیب‌ها با نگاه صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان حوزه آموزش عالی بیان شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که اجتماعی‌شدن دانشجویان در حد رضایت‌بخش نیست. قادر نیست روحیه پرسشگری را در دانشجویان بیدار کند، دانشجویان را به ارزش‌هایی چون کار گروهی سوق نمی‌دهد. نبود فرهنگ مشارکت و روحیه علم‌گرایی، ضعف فرهنگ نقدپذیری در اجتماعات دانشگاهی، ضعف در شکل‌گیری اجتماعات علمی، فقدان فعالیت‌های علمی بین‌رشته‌ای، درونی نشدن اخلاقیات اکادمیک در افراد، ارتباط محدود صنعت و محیط کسب و کار با دانشگاه که سبب ناکارآمدی یادگیری شغلی دانشجویان دکتری شده است، احساس محرومیت نسبی و بی‌ارزشی علمی، ضعف در همکاری بین‌گروهی و بین‌دانشگاهی، ضعف در مرجعیت علمی اساتید نزد دانشجویان و ضعف همکاری‌های علمی بین‌المللی از جمله ادراکات دانشجویان از فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی خود است.

در فرایند جامعه‌پذیری کارآمد در محیط دانشگاه، تعاملات اجتماعی بر عزت نفس دانشجویان اثر گذاشته و خوداثربخشی و حس غرور آنها را افزایش می‌دهد. عدم مشارکت اکثریت دانشجویان دکتری مورد بررسی در اجتماعات علمی همچون حلقه‌های علمی دانشگاهی، انجمن‌ها، گروه‌ها، همایش‌ها و سمینارها نشان از فردگرایی علمی آنها دارد. احساس بیهودگی تحصیلی خصوصاً در رشته‌های علوم انسانی یکی از مولفه‌های نشان‌دهنده بیگانگی تحصیلی در میان دانشجویان مورد بررسی می‌باشد که پیامدهایی همچون سرقت علمی و کپی‌برداری از آثار دیگران و طولانی شدن فرایند تکمیل رساله را می‌تواند دنبال داشته باشد. یادگیری

همکارانه و تعاملی، سبب موفقیت بالاتر و بهره‌وری بیشتر دانشجویان، حس ارزشمندی و شایستگی، افزایش اعتماد به نفس، افزایش خوداربخشی، وابستگی متقابل مثبت بین افراد، حس غرور متقابل و رضایت از کار گروهی می‌گردد.

## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پس از استخراج آسیب‌های فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری از طریق مصاحبه با ۳۰ دانشجو، این آسیب‌ها در قالب ۷ مفهوم کلان و ۱۸ مضمون در اختیار ۵ مدیر و سیاست‌گذار حوزه آموزش عالی قرار گرفت تا به راهکارها و پیشنهادهای سیاستی درخصوص رفع و کاهش آسیب‌های فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دست یابیم.

### • پیروی از زده‌نجرهای علم

- اصلاح آئین‌نامه‌های ارتقا و ترفیع با هدف امتیاز دادن به دستاوردهای پژوهشی اعضای هیات علمی که در حوزه تخصص آنها در زمان جذب در دانشگاه می‌باشد.
- توانمندسازی استادان در هدایت، راهبری و ارزیابی رساله‌ها مبتنی بر استانداردهای جهانی.
- استقرار نظام ارزیابی و پایش کیفیت اعضای هیات علمی در راهنمایی، مشاوره و داوری رساله‌ها.
- تقویت نقش نظارتی گروه‌های آموزشی در کیفیت راهبری استادان در هدایت رساله‌ها.
- استانداردسازی پذیرش دانشجو در دوره دکتری مبتنی بر ظرفیت‌های تخصصی و انسانی گروه‌های علمی و نیاز جامعه.
- استفاده از زیرساخت‌های فناورانه در نظارت‌های آموزشی و پژوهشی.
- توسعه آگاهی جامعه علمی با مفاهیم و قوانین نگارش علمی بویژه اخلاق پژوهش.
- بازاندیشی در مکانیسم‌های جذب اعضای هیات علمی و لحاظ کردن توانمندی‌های یاددهی و تدریس به عنوان اولویت.
- توانمندسازی اعضای هیات علمی در مهارت‌های عمومی یاددهی (تدریس) اثربخش مبتنی بر تکنیک‌های روز جهانی.
- بازنگری در قوانین نگهداری استادان با لحاظ توان و مهارت آموزشی و پژوهشی و اجرای نظام‌مند سیاست‌های بازدارنده برای اعضای هیات علمی که دارای رکود آموزشی و پژوهشی می‌شوند.
- توجه و تمرکز در ارزیابی کیفیت تدریس و پژوهش استادان مدعو همانند اعضای هیات علمی مقیم.

### • یادگیری تخصصی

- توسعه تفکر میان‌رشته‌ای در طراحی‌های آموزشی و درسی.
- هدفمندسازی موضوعات و مسائل مطرح در رساله‌های دانشجویی مبتنی بر نیاز جامعه.
- بازنگری در سازوکارهای نظام پذیرش دانشجو با رویکرد هدفمندی و مسئله‌مندی دوره تحصیل دانشجو مبتنی بر نیاز جامعه و صنعت.
- انعطاف در تعریف دوره‌های آموزشی دانشجویان مبتنی بر مسئله و موضوع رساله‌های دانشجویی.
- بازنگری رشته‌های تحصیلی و تعریف شایستگی‌های کاربردی در سازماندهی برنامه‌های درسی با توجه به مقتضیات روز.
- بازنگری کارکردها و کارویژه‌های دانشگاه مبتنی بر نیازهای جامعه و صنعت.
- متناسب‌سازی برنامه آموزشی و درسی دانشجویان با برنامه‌های پژوهشی آنها.

### • گروه آموزشی و اساتید

- توسعه ساختارهای (پنل) تعاملی به منظور ارتباط نظام‌مند استاد و دانشجو.
- توسعه کارهای تیمی از طریق توانمندسازی مهارت آن و لحاظ کردن در ارزیابی‌های علمی و پژوهشی استادان و دانشجویان.
- گسترش انجمن‌های علمی - تخصصی میان‌رشته‌ای در سطح استادان و دانشجویان.
- توسعه رشته‌های میان‌رشته‌ای بین گروه‌های آموزشی و دانشگاه‌ها.
- ارزیابی سالانه گروه‌های آموزشی مبتنی بر ویژگی‌ها و استانداردهای بین‌المللی.

### • اشتغال‌پذیری

- توسعه فعالیت‌های مرکز رشد و کارآفرینی با محوریت دانشجویان دکتری و در ارتباط با رشته‌های مختلف.
- گسترش سازوکارهای اطلاع‌رسانی به دانشجویان و استادان در خصوص ظرفیت‌های موجود و رویکردهای نوین در زمینه اشتغال دانشجویان.
- بازاندیشی نقش گروه‌های آموزشی و وظایف استادان در ارتباط با سازمان‌های بیرونی به جهت شناخت و برقراری ارتباط نظام‌مند.
- زمینه‌سازی برای حضور قانون‌مند دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی استادان در قالب دستیاری آموزشی و پژوهشی.
- توسعه و بسترسازی حضور سازمان‌ها و ارگان‌ها در تعریف مسائل پژوهشی دانشجویان.
- تربیت نیروی انسانی مبتنی بر نیازسنجی از جامعه و صنعت و بر اساس منابع و مسائل صنعت و جامعه.

### • زیست روزمره

- تقویت زمینه‌های حضور سازمان‌های بیرونی در توسعه آموزش‌های عمومی پایه دانشجویان.
- توسعه ظرفیت‌های حمایت مالی از بعد قوانین، مقررات و ساختارهای حمایتی.
- زمینه‌سازی نظام‌مند ارتباط گروه‌های آموزشی درون دانشگاهی و بین‌دانشگاهی با یکدیگر و لحاظ آن در شاخصه‌های ارزیابی.
- همراستاسازی شغل و تحصیل دانشجویان دکتری و ارتباط ارگانیک شغل و تحصیل دانشجو.
- تعریف استانداردهای مهارتی در زمینه‌های مختلف به عنوان پیش‌شرط ورود به دوره دکتری.
- لحاظ کردن فعالیت‌های غیررسمی درون نهاد علم به عنوان امتیاز.
- فرهنگ‌سازی در ارزش‌گذاری به مشارکت تخصصی و اخلاق‌منشانه دانشجویان در امور آموزشی و پژوهشی با استادان.

### • ضعف همکاری‌های بین‌المللی

- اصلاح سازوکارها و ساختارهای ارتباط داخلی نظام علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی-پژوهشی با یکدیگر به عنوان پیش‌نیاز ارتباطات بین‌المللی و تقویت کار گروهی.
- توسعه و حمایت از برنامه‌های فرصت مطالعاتی دانشجویان.
- هدفمندسازی فرصت‌های مطالعاتی دانشجویان و بهره‌مندی از تجارب کسب شده از فرصت‌ها.
- توانمندسازی مهارت‌های حضور دانشجویان در عرصه‌های بین‌المللی.

- تسهیل‌گری در فرایندها و سازوکارهای بین‌المللی‌سازی مانند ایجاد دوره‌های مشترک بین‌المللی، تبادل استاد و دانشجو و ...

### • ضعف فرهنگ علمی جامعه

- بازاندیشی در نحوه تعریف از دانشگاه و کارکردهای آن برای جامعه.
- توسعه تعامل ذینفعان بیرونی با دانشگاه در تعریف ویژگی‌ها و انتظارات از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی.
- شفاف‌سازی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه در زمینه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه از طریق فستیوال‌ها و جشنواره‌ها.

## ۷. منابع

- جعفری، قاسم؛ صدیقیان بیدگلی، آمنه و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۹۸). *تبیین فرایند تکامل هویت حرفه‌ای در بین دانشجویان دکتری علوم اجتماعی در ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- درک کی، بوک (۱۳۹۶). *مسئولیت اجتماعی دانشگاه*، ترجمه آرمن امیر، علی پاپلی‌یزدی و مریم عالم‌زاده، تهران: دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی با همکاری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذکابی، سعید و اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۹۵). *جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۹۰). *سنجش رابطه جامعه‌پذیری در دانشگاه با انگیزش تحصیلی دانشجویان*، راهبرد فرهنگ، ۱۲(۱).
- رشتیانی، سهراب؛ رحیمیان، حمید و عباس‌پور، عباس (۱۳۹۷). *رابطه جامعه‌پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان جوان دانشگاه تهران*، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۷(۳۹).
- صدیقیان، آمنه (۱۳۹۶). *رفتارهای علمی دانشجویان، از دانشگاه تاملات نظری و تجربه ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عباس زاده، محمد؛ بنی‌فاطمه، حسین؛ علیزاده اقدم، محمدباقر و بوداقلی، علی (۱۳۹۷). *بررسی رابطه بین فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی با پایبندی به اخلاق پژوهش، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۱(۶۹).
- فاضلی، محمد (۱۳۸۷). *تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱(۱).
- فیروزجانیان، علی اصغر و هاشمیان، بهزاد (۱۳۹۷). *تحلیل رابطه بین ناسازی در سطح میدان برون دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی، مسائل اجتماعی ایران*، ۹(۲)، ۱۵۷-۱۳۵.
- قاراخانی، معصومه و میرزایی، سیدآیت‌الله (۱۳۹۵). *عوامل موثر بر ناراستی‌های دانشگاهی در فضای آموزش علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹(۲)، ۴۸-۲۹.
- قانع‌راد، محمدامین و رشتیانی، آذر (۱۳۹۴). *جامعه‌پذیری علمی و مدیریت بدن در دانشگاه، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲(۲۸).
- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۵). *تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ماحوزی، رضا (۱۳۹۶). *دانشگاه، تاملات نظری و تجربه ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ قاضی طباطبایی، محمود و مرجائی، سیده‌ادی (۱۳۸۹). *تاثیر مسائل و چالش‌های محیط علمی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱(۵۵)، ۶۷-۴۵.
- مرجایی، سیده‌ادی (۱۳۹۶). *جامعه‌پذیری دانشگاهی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مظفری، فاروق امین و یوسفی‌اقدم، رحیم (۱۳۹۰). *فرهنگ رشته‌ای و تاکتیک‌های جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۳(۶۸)، ۶۳-۴۷.



- منصوری، علی‌نظر؛ یزدخواستی، بهجت و همتی، رضا (۱۳۹۵). مسائل و چالش‌های جامعه‌پذیری علمی دانشجویان در محیط دانشگاه، فصلنامه آموزش عالی ایران، ۸(۴).
- مه‌دیه، عارفه؛ همتی، رضا و وداده‌یر، ابوعلی (۱۳۹۵). فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری، مورد مطالعه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲(۱)، ۷۳-۴۵.
- میرزایی، آیت و قاراخانی، معصومه (۱۳۹۳). اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی ایران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۵(۲)، ۲۳-۳.
- نیازی، محسن و شفایی‌مقدم، الهام (۱۳۹۸). تبیین رابطه جامعه‌پذیری علمی و شکل‌گیری هویت دانشجویی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۵(۴)، ۷۲-۵۳.
- یمنی‌دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۰). درآمدی به بررسی عملکرد سیستم‌های دانشگاهی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۴). راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران: سمت.
- Abbaszadeh, M., Hossein Bani ,F., Alizadeh Aghdam,M. & Bodaghi, A. (2017). investigating the relationship between the university socialization process and adherence to research ethics, *Applied Sociology Quarterly*, Year 29, 69(1). (InPersian).
- Austin, Ann E. (2002). "Preparing the Next Generation to the Academic Career"; *the Gourd of Higher Education*, Vol. 73, No. 1 (January/February).
- Behar-Horenstein, L. S., Isaac, N., Southwell, C. N., Hudson-Vassell, M. E., Niu, L., Pratto, M., ... & Zafar, M. A. (2016). Promoting Academic Socialization through Service Learning Experiences. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 28(2), 158-167
- Carney-Nedelman, D. K. (2020). Acronym Usage in Groups: The Relationship of Socialization and Identification. *Pursuit-The Journal of Undergraduate Research at the University of Tennessee*, 10(1), 3.
- Cho, H. (2015). "Formal and Informal Academic Language", *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism*, <http://www.tandfonline.com/loi/rbeb> 20: 1- 21.
- Darvin, R., & Norton, B. (2019). *Collaborative Writing, Academic Socialization, and the Negotiation of Identity*. In *Novice Writers and Scholarly Publication* (pp. 177-194). Palgrave Macmillan, Cham.
- Derek Kay Bok (2016). *social responsibility of the university*, translated by Armin Amir, Ali Papli Yazdi and Maryam Alamzadeh, Tehran: Bureau of Cultural and Social Policy and Planning in collaboration with the Research Institute of Cultural and Social Studies. (InPersian).
- Fazli, M. (1387). A picture of the cultural lifestyle of the student community. *Iranian Cultural Research Quarterly*.1(1). (InPersian).
- Firouzjaian, A., & Hashemian, B. (2017). Analysis of the relationship between non-academic alienation and academic alienation, *Iran Social Issues*, 9(2), 135-157.( InPersian).
- Gardner, Susan K. (2010). *Faculty Perspectives on Doctoral Student Socialization in Five Disciplines*, *International Journal of Doctoral Studies*, Volume 5, 39-53.
- Gardner, S. K., Hayes, M. T., & Neider, X. N. (2007). The dispositions and skills of a Ph.D in education: perspectives of faculty and graduate students in one college of education. *Innovative Higher Education*, 31, 287-299.
- Ghanei Rad, M., & Rashtiani, A. (2014). Scientific Socialization and Body Management in University, *Strategic Studies of Sports and Youth Quarterly*, 2(28).(InPersian).
- Ghanei Rad, M. (2015). *Interactions and communication in the scientific community*, Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. (InPersian).
- Gharakhani, M., & Mirzaei, A. (2015). Factors affecting academic malpractice in social science education, *Iranian Cultural Research Quarterly*, 9(2), 29-48. (InPersian).

- Golde, C. M. (1998). Beginning graduate school: Explaining first-year doctoral attrition. In Anderson, M. S. (Ed.). *The experience of being in graduate school: An exploration* (Vol. XXVI, pp. 55-64). San Francisco, CA: Jossey -Bass.
- Gonzalez, J. C. (2006). Academic socialization experiences of Latina doctoral students, a qualitative understanding of support systems that aid and challenges that hinder the process. *Journal of Hispanic Higher Education*, 347-365 (5).
- Heuser, B. L. (2007). Academic social cohesion within higher education. *Prospects*, (37) 293-303.
- Homan, H. (2014). *Practical Guide to Qualitative Research*, Tehran: Samt. (InPersian).
- Ibrahim, N., & Nambiar, R. M. (2012). Scaffoldings in academic writing: The role of intercultural rhetoric and genre analysis in academic socialization. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 59, 438-442.
- Jafari, Q., Seddigian Bidgoli, A., & Vedadhir, A. (2018). explaining the process of professional identity development among doctoral students of social sciences in Iran, doctoral dissertation. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. (InPersian).
- Lim, D., & Cisneros-Elias, M. (2020). *Academic Socialization and Its Effects on Academic Success*.
- Mahdieh, A., Hemti, R., & Vedadhir, A. (2015). the university socialization process of doctoral students, the case study of Isfahan, *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 22(1), 45-73. (InPersian).
- Mahouzi, R. (2016). *University, Iranian theoretical reflections and experience*, Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. (InPersian).
- Mansouri, A., Yazd Chasti, B., & Hemti, R. (2015). Problems and challenges of scientific socialization of students in the university environment, *Iranian Higher Education Quarterly*, 8(4). (InPersian).
- Marjaei, H. (2016). *Academic Socialization*, Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. (InPersian).
- Mirzaei, A., Qarakhani, M. (2014). Research Ethics in Iranian Social Sciences, *Journal of the Iranian Sociological Association*, 15(2), 3-23. (InPersian).
- Mohseni Tabrizi, A., Ghazi Tabatabai, M., & Marjaei, H. (2009). The impact of issues and challenges of the scientific environment on academic socialization, *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 1(55), 45-67. (InPersian).
- Mozafari, F., Yousefi Aghdam, R. (2013). Discipline Culture and Socialization Tactics of Doctoral Students, *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 3(68), 47-63. (InPersian).
- Niazi, M., & Shafaei Moghadam, E. (2018). Explaining the relationship between academic socialization and the formation of student identity, *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 25(4), 53-72. (InPersian).
- Nodira, R., & Jungyin, K. (2020). The Academic Socialization Process of International Students in South Korea: The Role of Culture in Group Activities. *현대영어영문학*, 64(3), 139-169.
- Rastegar Khalid, A. (2018). measuring the relationship between socialization in university and academic motivation of students, *Culture Strategy*, 12th and 13th issues. (InPersian).
- Rashtiani, S., Rahimian, H., & Abbaspour, A. (2017). the relationship between academic socialization and social participation among young students of Tehran University, *strategic studies of sports and youth*, 17(39). (InPersian).
- Rourke, L., & Kanuka, H. (2012). Socialization in online doctorates: Academic socialization in an online residency program. *Journal of Distance Education*, 26(1).
- Riney, M. R., & Froeschle, J. (2011). Socialization processes of engineering students. *Administrative Issues Journal Education, Practice and Research*, 96-106, 2 (1).

- Seddigian, A. (2016). *Students' Scientific Behaviors, from the Iranian University of Theoretical Thought and Experience*, Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies, Ministry of Science. (InPersian).
- Thune, T. (2009). Doctoral students on the university–industry interface: A review of the literature. *Higher Education*, 637-651, (58).
- Trigos-Carrillo, L. (2019). A Critical Sociocultural Perspective on Academic Literacies in Latin America. *Íkala, Revista de Lenguaje y Cultura*, 24(1), 13-26.
- Weidman, J. C., Twale, D. J., & Stein, E. L. (2001). Socialization of graduate and professional students. *The ASHE-ERIC Higher Education Report*, 28 (3).
- Yamamoto, Y., & Sonnenschein, S. (2016). Family Contexts of Academic Socialization: *The Role of Culture, Ethnicity, and Socioeconomic Status*, Journal Research Volume 13, 2016 - Issue 3.
- Yamuni Dozi Sorkhabi, M. (2008). *An Introduction to Studying the Performance of Academic Systems*, Tehran: Shahid Beheshti University. (InPersian).
- Zokai, S., & Esmaili, M. (2015). *Youth and Academic and Academic Alienation*, Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies of the Ministry of Science. (InPersian).